

واژه «مشق شب» یادآور دوران کودکی است. آن زمان که کتاب و دفتر را پهن می کردیم، مداد را می تراشیدیم و باذوق و شوق کلمات را بر روی خط‌های نازک صورتی می نوشتیم تا داستان حسنک را با زگو کنیم که روزی از روزها وقت غروب چون به خانه برنگشته بود، گاو و سگ و گوسفند و مرغ و خروس همه یک صدا فریاد می زدند: «حسَنک کجایی؟»

شوق خریدن دفترهای نو با جلد‌های رنگی، مدادهای نوک تیز، پاک کن های خوشبو، خط کشی صفحات،

آموزشی که در مدرسه به کودک داده می شود، آموزش اولیه برای یادگیری است اما کودک باید بتواند از آنچه که می آموزد در زندگی روزانه خود استفاده کند

چسباندن عکس بر گردان در پای آنها، مرتب و منظم نوشتن، گذاشتن نقطه های رنگی در انتهای جملات،... و سرانجام یک خط قرمز، یک نمره بیست و یک آفرین عجلو لانه که معلم پای آن می گذاشت خاطراتی است که در دل واژه مشق شب لانه کرده اند. روزهای آخر تعطیلات عید مای ماندیم و مشق های ناوخته هر چند که به بزرگ ترها قول داده بودیم که برای تکلیف خود برنامه ریزی کنیم اما کابوس مشق های ناوخته، اخم های درهم معلم مان و انگشت اشاره ای که تهدیدکنان به صورت ما نزدیک می شد، شیرینی تعطیلات را کمرنگ می کرد و اضطراب و هراس لحظه ای که از خواب می پریدیم و آرامش لحظه ای که می فهمیدیم خواب بودیم هم خاطره ای است که با شنیدن واژه «مشق شب» جایی در یاد و ذهن ما سربرمی آورد. اما کودکان امروز که کمتر از پدرها و مادرهایشان با اخم و تنبیه معلم روبه رو هستند و چون باهوش تر از کودکان نسل پیشین هستند راه های بیشتری برای فرار از تکلیف مدرسه پیدا می کنند و کابوس روزهای آخر تعطیلات عید آنها یک های ناوخته است، خاطرات دیگری هم دارند. علی می گوید:» اولین باری که چند جمله از درس فارسی را جا انداختم خیلی ترسیدم. مرتب فکر می کردم که خانم معلم متوجه می شود و جلوی بچه هادعوایم می کند، اما وقتی خانم معلم روی مشق هایم خط کشید و دفتر را پس داد آنقدر خوشحال شدم که نگو آن روز نصف صفحه را جا انداختم، چند روز بعد یک صفحه را و زمانی که فکر می کردم حسابی استاد شدم، خانم معلم فهمید و من روانه اتاق آقای مدیر شدم.» اما احسان داستان دیگری دارد. او که کلاس سوم دبستان درس می خواند روزی که از بچه ها شنید، می شود چند خطی از مشق شب را جا انداخت و یکی دو تا تمرین ریاضی را لابه لای نمرینهای دیگر کم کرد، به فکر فرو رفت و سرانجام برای امتحان پس از مدتی چند پاراگراف از درس «موضوع انشاء» را نوشت اما وقتی که مادر دیکته شب او را تصحیح می کرد برای اینکه ببیند غلط های دیکته را در مشق شب درست نوشته یانه با دقت به مشق او نگاه کرد و... احسان همان شب مجبور شد که قسمت های جا افتاده را دوباره بنویسد و بر گس تعریف می کند که چقدر به هنر خوشنویسی علاقه داشت: «من در یک مدرسه غیر انتفاعی درس می خواندم. اوایل تمام هفته را منتظر زنگ خوشنویسی بودم. وقتی قلم را روی کاغذ حرکت می دادم از صدای کشیده شدن آن لذت می برم. اما معلم ما برای هر شب یک صفحه کامل تمرین می داد و اگر نمی نوشتیم چند برابر آن جریمه مان می کرد. پس از چند بار نوشتن و جریمه شدن وقتی نمره خوشنویسی من ۱۲ شد نسبت به یادگیری آن بی علاقه شدم و الان مدت هاست که اصلاً تمرین نمی کنم.» «مشق شب» یا «تکلیف» وظیفه ای است که هر روز از سوی آموزگاران برای دانش آموزان بخصوص در مقطع ابتدایی تعیین می شود تا در خانه هم زمانی به تمرین و تکرار مباحث درسی اختصاص یابد. در حال حاضر چه در مدارس غیرانتفاعی و چه در مدارس دولتی تکالیف متعددی شامل تمرین ریاضی، زبان انگلیسی، تمرین انشاء، خوشنویسی، رونویسی و... به کودکان داده می شود. هر چند که به نظر آموزگاران، انجام این تکالیف برای کودکان ضروری است اما به نظر می رسد که دانش آموزان نسبت به آن رغبت

چندانی نشان نمی دهند و معمولاً باتوب و تشر بزرگ ترها پای آن می نشینند. متخصصین تعلیم و تربیت از کودکانی سخن می گویند که علی رغم انجام تکالیف روزانه، یادگیری دروس در منزل و نظارت والدین بر تکرار و مطالعه درس ها بازدهی مناسبی در کلاس درس ندارند. برخی از آنان معتقدند که بهترین زمان یادگیری ساعاتی است که کودک در مدرسه به سر می برد و در خانه باید به دانش آموز فرصت داده شود تا با بازی و ورزش، مطالعه کتاب های غیر درسی و پرداختن به کارهای هنری و منطبق با علائق آنها، انرژی لازم برای یادگیری بیشتر را کسب کنند. در این رابطه با عباس حاجی آقاآلو مدیر کل آموزش و پرورش ابتدایی به گفت و گو نشستیم که می خوانید:

بعضی از خانواده ها معتقدند حجم تکالیفی که در خانه به دانش آموزان داده می شود به خصوص در مقطع ابتدایی زیاد است. نظر شما در این مورد چیست؟
من در ابتدا می خواهم به نکته ای اشاره کنم. معمولاً همه ما مایل هستیم تا در مورد هر موضوعی بر اساس احساس و مشاهده نه چندان دقیق قضاوت کنیم و برداشت فردی خود را به کل تعمیم دهیم بسیاری از کسانی که حجم تکالیف را زیاد می دانند، آیا تاکنون دقت کرده اند که دانش آموز در محیط آرام و بدون وجود متغیرهای مزاحم

تأمین شود. با توجه به اینکه شیوه برنامه ریزی اوقات فراغت کودکان در تلویزیون هم اجازه تمرکز منظم بر روی مطلب درسی را به کودکان و نوجوانان نمی دهد. گاهی ساعت ۹ شب یکی از شبکه های تلویزیونی شروع به نشان دادن کارتون می کند.

ببینید، اگر معیار ما سنجش تکلیف منزل با حوصله و علاقه دانش آموزان باشد حتی اگر از میزان آن کاسته شود، تأثیر مثبتی بر سایر عناصر فرآیند یادگیری نخواهد داشت. به نظر من خانواده ها باید با مشارکت در این فرآیند بگویند که آیا برنامه درسی برنامه خوبی است؟ یا شیوه های ارزشیابی مناسبی مورد استفاده قرار می گیرد؟ یا روش تکلیف دادن روش درستی است؟ با کم و زیاد کردن مقدار تکلیف چیزی که عاید ما نمی شود. حتی اگر دانش آموز را در مورد انجام تکلیف آزاد بگذاریم نتیجه ای مطابق با اهداف درسی به دست نمی آوریم. تکلیف درسی با مشق شب در همه برنامه های درسی جهان وجود دارد. آموزشی که در مدرسه به کودک داده می شود، آموزش اولیه برای یادگیری است اما کودک باید بتواند از آنچه که می آموزد در زندگی روزانه خود استفاده کند. مثلاً در مدرسه بزرگ ترین مقسوم علیه مشترک به کودکان آموخته می شود. این یادگیری باید کودک را قادر سازد تا مسائل روزانه خود را حل کند در

و معلمان بخواهند که هدف از انجام تکلیف توضیح داده شود، اینکه چه نتیجه ای حاصل می شود، کدام مهارت افزایش می یابد، درنگرش کودک چه تغییری به وجود می آید تا حاصل کار هم قابل ارزیابی باشد. نکته دوم که باعث جذابیت تکلیف می شود مشخص بودن روش انجام آن است. در بسیاری از مواقع وقتی تکلیفی به کودک داده می شود هیچ روش خاصی برای آن پیشنهاد نمی شود. کودک اصلاً نمی داند چگونه باید کار کند و به همین دلیل از میزان علاقه و دلبستگی او کاسته می شود. در اینجا هم نظارت خانواده ها مؤثر است. مورد بعدی تناسب تکلیف با علائق، استعدادهای ذاتی، پیشرفت یادگیری و... است. در مدارس ما مثلاً در یک کلاس ۳۰ نفری برای همه یکجور تکلیف داده می شود و اصلاً تفاوت های فردی بچه ها مورد توجه قرار نمی گیرد. در حالی که تکلیف واحد ممکن است برای بعضی ها سنگین و برای عده دیگری پیش افتاده باشد. وقتی که مشق شب متناسب با علاقه هر کودک تعیین شد مطمئن باشید که حتی موقع پخش کارتون، تلویزیون را خاموش می کند و به انجام آن می پردازد. تنوع تکالیف هم بسیار مهم است. کودک وقتی هر روز مشق بنویسد، هر روز تمرین ریاضی حل کند، هر روز به سوالات علوم پاسخ دهد، نسبت به کل قضیه بی تفاوت می شود. چقدر خوب است

مشق شب های بی فایده!

مریم بیژنی



که ما بتوانیم تکلیف منزل را به برنامه های تلویزیون وصل کنیم، مثلاً از فیلم های مستند زندگی حیوانات برای آموزش علوم استفاده کنیم و از دانش آموزان بخواهیم گزارشی از آنچه دیده به عنوان تکلیف به کلاس ارائه دهد. در حال حاضر نه تنها تکالیف متنوع نیستند بلکه یک جانبه، کتبی و آزاردهنده هستند.

نکاتی که شما به آن اشاره می کنید در شرایط مطلوب عملی می شوند اما واقعیت نشان می دهد که با استفاده از شیوه های فعلی، دانش آموزان خیلی زود راه های حذف قسمت هایی از تکلیف، کوتاه تر کردن جمله های طولانی و به طور کلی شانه خالی کردن از انجام مشق شب را یاد می گیرند و اسم این کار را هم «زنگی» می گذارند. از سوی دیگر در مدراس ابتدایی مثلاً برای درس علوم، به دانش آموزان کار تحقیقی می دهند اما مشاهده شده که انجام تحقیق هیچگونه بازخورد مناسبی ندارد. در حالی که اگر این کار درست صورت بگیرد، مستند نویسی، ذکر منابع و مأخذ، مراجعه به کتب مرجع و... از دوران کودکی به دانش آموز آموخته می شود. به نظر می رسد تکالیفی از این دست فقط برای رفع مسؤولیت کودکان داده می شود.

در مورد کارهای تحقیقی و پژوهشی در دروسی مانند علوم و تاریخ باید بگویم که روش ارزشیابی فقط نمره گذاری نیست. بازخورد تحقیق کودکان سؤال جدیدی است که دانش آموز را وادار می کند تا موضوع را عمیق تر بررسی کند. اگر شیوه های ارزشیابی مشخص باشد حتی خود دانش آموز هم می تواند کارش را بررسی کند و ببیند که تحقیق، مهارت، حوصله و دقت او را افزایش داده است. البته همانطور که گفتید این نکات در شرایط فعلی رعایت نمی شود. به نظر من می توانیم در درجه اول خانواده ها، آموزگاران و مدیران مدرسه را از شرایط مطلوب آگاه کنیم.

در حال حاضر وزارت آموزش و پرورش به همه آموزگاران توصیه می کند تا حجم تکالیف را محدود کنند اما نباید فراموش کنیم که معلم همواره مشتاق قبولی دانش آموز است و برای موفقیت در سیستم ناقص ما راهی جز تمرین و تکرار وجود ندارد. ما در صدد هستیم تا با تغییر شیوه های ارزشیابی، معلمان به دادن تکلیف بیشتر تشویق نشوند. به نظر من باید شیوه ارزشیابی نمره محور کنار گذاشته شود و به جای آن معلم گزارشی از نحوه انجام تکلیف، حس مسؤولیت کودک، پاسخگویی مناسب به سوالات، مقایسه اطلاعات و تهیه کند. ببینید، یک زمانی دنیا بروت جهل بود و مدرسه برکه دانش و اطلاعات. الان جهان، اقیانوس اطلاعات است و مدرسه باید به دانش آموزان مهارت انتخاب اطلاعات، درجه بندی و معنا سازی آن را بیاموزد. اگر به کودکان تحقیق علمی واگذار می کنیم باید در این راستا باشد. ما نمی خواهیم از آنها محقق بسازیم. بلکه می خواهیم زمینه تمرین مهارت های تحقیق و اندیشیدن را به آنها بیاموزیم.

گزارش هایی که در این رابطه به شما داده می شود مبتنی بر فراهم آمدن زمینه تمرین مهارت های پژوهشی است؟

ببینید، در ۱۶ استان و همینطور تهران چنین نتیجه ای گزارش شده. ما این نکات را از مسؤولین مدارس درخواست کرده ایم اما در جامعه ما نظارت و پیگیری دقیقی انجام نمی گیرد. در واقع انجمن اولیا و مربیان هر مدرسه باید وظیفه نظارت را به عهده داشته باشند تا معلمان بتوانند به شیوه های جدید علاقه نشان دهند و نسبت به تغییر شیوه های قدیمی بی اعتنا نباشند.

به نظر شما معلمان برای یادگیری و بکارگیری شیوه های جدید انگیزه کافی دارند؟

معلم همواره به انجام کار درست اشتیاق دارد. علی رغم مشکلاتی که دارند، اگر دقیق و درست به آنها بگوییم که از چه شیوه ای باید استفاده کنند حاضرند فداکاری کنند و برنامه های جدید را به کار ببرند.

یعنی برنامه جدید باید به معلم ها دیکته شود؟ آیا آنها از آزادی عمل برای انتخاب شیوه هایی که فکر می کنند درست است برخوردارند؟

بله، در آیین نامه اجرایی مدارس حتی نوع ارزشیابی، نوع تکالیف درسی، نمره گذاری و تعیین پایه دانش آموزان از سال ۱۳۷۸ به مدارس واگذار شده. معلمین از گفت و گو با کارشناسان مطالبی می آموزند. منظور من این بود که اگر با معلم ها گفت و گو کنیم و درستی یک برنامه مورد پذیرش آنها قرار بگیرد، انگیزه لازم را برای تغییر و پیشرفت پیدا می کنند. من همین جا اعلام می کنم که امسال ما در صدد هستیم تا با ارتباط چهره به چهره با معلمان درباره مفاهیم کلیدی تعلیم و تربیت گفت و گو کنیم و همه بپذیریم که تعلیم و تربیت یعنی یادگیری برای دانستن، انجام دادن، زیستن و باهم بودن.

با توجه به آنچه که گفتید به نظر شما پیک های نوروژی تا چه حد در جهت اهداف مورد نظر شما قرار

تعطیلات فضای جدیدی است که تکلیف جدید هم طلب می کند. دادن پیک های نوروژی اصولاً تکلیف بی فایده ای است

می گیرند؟

من موافق دادن پیک های نوروژی نیستم. به این دلیل که مثل سایر تکالیفی است که به کودک می دهند. باز هم تکرار می کنم که چون بچه ها به لحاظ نوع نگرش، اطلاعات ، استعدادها و ... متفاوت هستند، تکالیف هم باید گوناگون باشند. پیک های نوروژی خیلی تکراری شده اند و همانگونه که اشاره داشتید، ارزشیابی درستی هم در مورد آنها به عمل نمی آید. هدف روشنی ندارند و قطعاً در این مورد هم باید مناسب با شرایط جدید تعلیم و تربیت دگرگونی به وجود آید. **به نظر شما از طریق تکالیف مربوط به ایام تعطیلات نمی توان خلاقیت و استعداد کودکان را افزایش داد. مثلاً کودکانی که به سفر می روند، به عنوان تکلیف گزارش سفر بنویسند و یا حتی یک نقاشی، داستان و موارد مشابه دیگر به عنوان تکلیف در نظر گرفته شود؟**

یقیناً تعطیلات فضای جدیدی است که تکلیف جدید هم طلب می کند. مثل مواردی که اشاره کردید. به نظر من دادن پیک های نوروژی اختیارات معلم را هم در چارچوب قوانینی که وجود دارد محدود می کند و اصولاً تکلیف بی فایده ای است.